

مهدا

سراینده:

علی الواریان

www.ketab.ir

انتشارات رویش بهاری

(rooyeshebahari)

سرشناسه	: الواریان، علی، ۱۳۶۲-
عنوان و نام پدیدآور	: مهنا/سراینده علی الواریان
مشخصات نشر	: رویش بهاری، ۱۴۰۳.
مشخصات ظاهری	: ۷۶ص؛ ۵/۱۴×۵/۲۱ س.م.
شابک	: ۸ - ۷۱ - ۴۸۷۱ - ۶۲۲ - ۹۷۸.
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیبا
موضوع	: شعر فارسی - قرن ۱۴
موضوع	: Persian poetry -- 20th century
موضوع	: شعر مذهبی فارسی - قرن ۱۴
موضوع	: Religious poetry, Persian -- 20th century
رده‌بندی کنگره	: PIR۸۳۳۴
رده‌بندی دیویی	: ۸۶۱/۶۲
شماره کتاب‌شناسی ملی	: ۹۸۸۴۳۷۰

مهدا



عنوان: مهدا

سراینده: علی الواریان

طراح جلد: گروه طراحی پلکان

ناشر: رویش بهاری

مدیر تولید: امیر حیدری

شابک: ۸ - ۷۱ - ۴۸۷۱ - ۶۲۲ - ۹۷۸.

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

شناسه: ۱۴۶۳

۱۱۰۰۰۰ تومان

نوبت چاپ: اول پاییز ۱۴۰۳

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است.

فهرست

- پیشگفتار / ۵
رفیق لا رفیق / ۱۱
عذاب هجر / ۱۳
شوق سحر / ۱۵
یک قطره اشک / ۱۷
مرغ روح / ۱۹
به تو نزدیک هستم / ۲۱
غیر از حرم / ۲۳
گریه / ۲۵
مرا بخر / ۲۷
حال استغفار / ۲۹
لا تقنطوا / ۳۱
وقتی که تنهایم / ۳۳
اشک توبه / ۳۵
صدایت می‌زند / ۳۷
بار معیوب / ۳۹
حول الاحوال / ۴۱
حق بده / ۴۳

وا مانده / ۴۵

رزق شهادت / ۴۷

منزل آخر / ۴۹

عبد گنه کار / ۵۱

عرفه / ۵۳

عذاب / ۵۷

لیله الرغائب / ۵۹

ارث یعقوب / ۶۱

باران اشک / ۶۳

پشیمانی / ۶۵

نشکوا الیک / ۶۷

حیران / ۶۹

هیاهو / ۷۱

به نام دوست

باید تشکر کنم از همسر صبورم و همه عزیزان که این کمترین را در جهت
نشر این کتاب یاری نمودند؛ علی الخصوص برادر و دوست قدیم تا کنونم
جناب آقای مجتبی تاجیک (ساده)

ولما

کتاب حاضر را با افتخار تقدیم می‌نمایم به شهید سعید مهدی جعفری
فرمانده شهید لشکر ۲۷ محمد رسول الله ﷺ که یادش قلعه قلب مرا فتح
کرده و هم نفس تمام لحظه‌هایم بوده، باشد که این کمترین را در روائق
عرش خداوندی و در محضر اباعبدالله الحسین ﷺ یاد نماید!

پیشگفتار

همه کس کشیده محمل به جناب کبریایت
من و خجلت سجودی که نکرده‌ام برایت

چه زیباست با ترنم شعر مناجاتی، پنجره‌ی دل را به سمت کوچه باغ‌های
آسمان بگشایی و با آسمانی‌ها هم‌منفس باشی. باید از شمیم گل‌های نیمه‌شب
مست باشی و با ستاره‌ی اشک، در باغستان‌های سحرگاهی قدم زده باشی تا
محصول خلوتت، غزل‌های مناجات باشد.

بی‌تردید، کوله‌بار سنگین این شعر عرشی، در خور شانه‌های دردآشنای
شاعران قبیله‌ی نور است که زمزمه‌های ملکوتی را تجربه کرده و پرواز را
به خاطر سپرده‌اند.

از این روست که در هزاره‌ی شعر فارسی، شعر مناجاتی، تجلی بسیار
شگفت و خیره‌کننده‌ای دارد. بعضی از آن شعرهای بلند و آتشین، هنوز هم،
فریادرس روح شکسته‌دلان می‌شوند.

ملکا ذکر تو گویم که تو پاکی و خدایی
نروم جز به همان ره که توام راهنمایی

«سنایی»

بیا تا برآریم دستی ز دل
 که نتوان برآورد فردا ز گل
 و

الهی سینه‌ای ده آتش افروز
 در آن سینه دلی وان دل همه سوز

و بسیار منظومه‌های فاخر و درخشان و از دل برآمده‌ی دیگر...
 به نظر می‌رسد در شعر روزگار ما، سامد این جنس شعر، چندان بالا نیست.
 باهمه‌ی این‌ها گاه‌گاه شاهد اتفاق‌هایی هستیم که دل را روشن می‌کند.
 یکی از اتفاق‌ها، انتشار این دفتر شعر است که پیش روی شماست. شاعر
 جان آگاه، گزیده‌ای از غزل‌های با جوهره‌ی مناجاتی را برای بنده فرستاد و
 درخواست کرد یادداشتی بر آن بنویسم.

دوست داشتم به این بهانه، نگاهی گذرا به سابقه‌ی این جنس شعر
 در آثار شاعران بزرگ گذشته و معاصر داشته باشم که متأسفانه توفیق،
 رفیق نشد. حتی مجال نگاه منتقدانه‌ای هم به همین دفتر شعر روشن، به
 دست نیامد. البته مگر یادداشت شتاب‌آمیز بر مجموعه شعر، جای این
 خرده‌گیری‌ها و چندوچون‌هاست؟

چه نیازی ست ذره‌بین به دست گرفته و دنبال مثلا پاره‌ای از ایرادهای
 زبانی بگردم و با این خط‌کشی، مثلا ضریب تخیل و کشف و شهودهایی از
 هنرمندی‌های زبانی و تصویری را اندازه‌گیری کنم و به بعضی از این کارها
 عواطف منظوم لقب دهم....

این کارها را دیگران انجام خواهند داد و بعضا هم خیلی بی‌رحمانه....
 از زاویه‌ی دید دیگر می‌گویم همین صمیمیت و بی‌پیرایگی، در جای
 خود، نقطه‌ی قوتی است برای سراینده.

گر به سبک مدعی رنگین نمی‌گویم سخن
 رخ متاب از من که عاشق را زبانی دیگر است

محمدحسین انصاری نژاد

۱۴۰۳/۶/۱۰